

فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان/ سال چهارم/ شماره دهم / تابستان ۱۳۹۲ / صفحات ۱۰۲-۸۷

بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی*

طوبی فرجی^۱
طلیعه خادمیان^۲

چکیده:

در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات نظری در حوزه‌های روانشناسی اجتماعی و روانشناسی بررسی بنیادین بر مفهوم رضایت از زندگی به عنوان متغیر ثابت مورد ارزیابی واقع شد و همبستگی، رابطه دقیق آن با نشاط اجتماعی تأیید گردید. مطالعه با هدف تعیین نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی دانشجویان انجام گرفت. در این مطالعه توصیفی، ۳۵۰ دانشجو را به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از میان دانشجویان دانشگاه آزاد واحد تهران شرق انتخاب گردیدند. این پژوهش به روش پیمایشی بوده و از پرسشنامه جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است. اطلاعات بدست آمده با استفاده از آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی (رگرسیون خطی، ضریب پیرسون و ...) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصل از ترکیب گویه‌ها در خصوص رضایت از زندگی در بین پاسخگویان حاکی از آن است که ۶/۲۰ درصد دانشجویان در حد پایین، ۷۵/۱ درصد در حد متوسط و ۳/۴ درصد در حد بالا از زندگی‌شان رضایت دارند و یافته‌ها بیانگر متوسط-بودن این احساس در اکثر دانشجویان است. مطابق یافته‌های تبیینی بین رضایت از زندگی دانشجویان و میزان نشاط آنها ارتباط معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. همچنین بین متغیرهای درآمد و محرومیت نسبی و میزان رضایت از همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه: رضایت از زندگی، نشاط اجتماعی، محرومیت نسبی.

* تاریخ وصول: ۹۱/۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۰

- ۱- کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال Toba_fa@yahoo.com
- ۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، استادیار جامعه‌شناسی، تهران، ایران Sonia_khademian@yahoo.com

۱- مقدمه

بهر روزی و نیکبختی متاعی است که همواره انسانها به دنبال آن هستند و هر کسی تعبیر خویش را از آن دارد اما روانشناسان اجتماعی ثابت کرده‌اند، معنای مشترکی برای خوشبختی در میان مردم نیست، بلکه همه حس خوشایند رضایت از شرایط را خوشبختی می‌نامند. امروز با تغییر شکل زندگی، گسست روابط، جانشینی رسانه‌های ارتباط جمعی به جای روابط خانوادگی و گروهی افراد، فقدان محیط‌های فرح‌بخش، افزایش مصرف‌گرایی، ترویج و تبلیغ شادی‌های کاذب، گسترش خشونت و نداشتن تعریف درستی از شادی و مشکلات عدیده‌ای از قبیل فقر، نداشتن امید به شغل آتی، عدم رضایت از وضعیت موجود، فقدان رفاه نسبی، ... پرداختن به نشاط را به صورت یک اصل انکارناپذیر درآورده است. جهت دستیابی به سلامت عمومی افراد جامعه و رهایی از برخی معضلات جامعه و تنش‌های اجتماعی باید به نشاط و شادابی به عنوان متغیر تعیین‌کننده بر میزان رضایت و خرسندی افراد جامعه بها داد.

تحقیق‌ها نشان می‌دهد که سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان کلی زندگی تعیین می‌کند، یعنی هرچه انسان از زندگی و اتفاق‌های آن راضی باشد، شادتر خواهد بود و اگر اتفاق‌های گوناگون موجب از بین رفتن رضایت فرد شود، همین قدر نیز موجب پایین رفتن سطح کلی شادی وی خواهد شد و نکته قابل توجه این است که واقعیت‌های موجود موجب رضایت یا ناراضی‌ما نمی‌شود بلکه داوری در مورد این واقعیت‌ها تعیین‌کننده رضایت یا ناراضی‌است (خانزاده، ۲۱: ۱۳۸۴). دانشگاه یکی از مؤلفه‌های تاثیرگذار در توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه بشری محسوب می‌شود، در حال حاضر بدون داشتن نیروی آموزشی متعهد و متخصص قادر به پاسخگویی نیازهای فزاینده جامعه خود نخواهیم بود لذا پرداختن به سلامت روانی این قشر قابل توجه و بررسی عوامل مؤثر بر آن تاثیر بسزایی در بهبود روند سلامتی و نشاط و رضایت جامعه دارد چنانچه که برای سده معتقد است، امروزه سلامت روان یک سازه روانشناختی محض نیست بلکه یک سازه روانی-اجتماعی است و احساس شادی و رضایت از زندگی از شاخص‌های اصلی سلامت روان محسوب می‌شود (براتی سده، ۱۳۸۸: ۲۶).

هدف کلی پژوهش حاضر عبارتست از بررسی میزان رضایت از زندگی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی آنها می‌باشد.

۲- طرح مسأله

احساس شادی و نشاط یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به شمار

می‌رود و به دلیل تأثیرات عمده بر سالم سازی و بهسازی جامعه، مدت مدیدی است ذهن آدمیان را به خود مشغول کرده است به طوری که امروزه بسیاری از ملل به نوعی درصدد ایجاد یک جامعه سالم و بانشاط هستند، زیرا به نظر می‌رسد احساس شادی از یکسو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر به دلیل ویژگی مسری بودن آن، بستگی‌های فرد را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که شهروندان احساس شادی کنند. همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند، از این منظر نقش شادی و نشاط در زندگی افراد به حدی بسزاست که متفکر اجتماعی راسکین را بر این نکته تأکید می‌ورزد که «ثروتمندترین کشور، کشوری است که بیشترین افراد شاداب را زیر بال خود داشته باشد» (مظفر، ۱۳۷۹: ۱۹).

افزایش نشاط و سرزندگی و امید آفرینی فردی و اجتماعی مفهومی بیش از یک احساس شادی و رضایت و خرسندی سطحی و معمولی دارد. به تجربه ثابت شده شادی و نشاط ماده اولیه تغییر جامعه و تحول و تکامل درونی انسانهاست. در جامعه خوشحال و خرسند تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد سالم‌تر خواهد بود و بدون شک چنین محیطی امنیت اجتماعی و فردی راحت‌تر بدست می‌آید، در محیط شاد ذهن انسان پویا، زبانش گویا و استعدادش شکوفا می‌شود. شاد بودن جامعه یکی از عوامل مؤثر به توسعه اقتصادی- فرهنگی و اجتماعی و سیاسی است و باعث کاهش نابسامانی‌های خانوادگی، افزایش میل و رغبت تحصیلی، دل به کار دادن و افزایش تولید می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۲).

نشاط اجتماعی موجب حفظ سلامتی و تا حدودی طول عمر افراد می‌شود. نشاط می‌تواند سلامت جسمانی را نیز بهبود بخشد، افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند و آسانتر تصمیم می‌گیرند و دارای روحیه مشارکتی بیشتری هستند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند بیشتر احساس رضایت می‌کنند و از نظر ضرورت اجتماعی، نیز با توجه به اینکه دانشجویان به عنوان یکی از اقشار مهم اجتماعی، سرمایه ملی و الگویی برای سایرین به شمار می‌آیند بنابراین توجه به عواطف و احساسات این قشر از جامعه از اهمیت بسزایی برخوردار است، لذا هرگونه تحقیقی در زمینه میزان برخورداری از نشاط در بین این قشر به خودی خود می‌تواند حائز اهمیت و ضرورت باشد.

بایستی یادآور شد که از سال ۲۰۰۰ به بعد در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای شادکامی (شادمانی) اجتماعی، امید به آینده و خشنودی و رضایت‌مندی اجتماعی به عنوان یک شاخص کلیدی وارد محاسبات شده‌اند. بدین معنی که اگر مردم یک جامعه احساس

شادکامی، خشنودی و رضامندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته خصوصاً در بعد اجتماعی قلمداد نمود (داینر، ۲۰۰۳: ۸۴-۸۱).

۳- پیشینه تحقیق

از سال ۱۹۶۰ پژوهش‌های مربوط به شادمانی افزایش یافت و سازمان‌های مختلف به بررسی شادمانی پرداختند و پژوهش‌هایی که در ایران در ارتباط با موضوع انجام شده‌اند، بسیار اندک می‌باشند و محدود به چند مورد نادر است. هوشنگ نائبی در سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانواده‌های تهرانی، به پیوستگی متغیر احساس خوشبختی با متغیرهای رتبه شغلی، تحصیلات، درآمد، اوضاع اقتصادی، رضایت شغلی، رضایت کلی از زندگی، اعتماد به دیگران و عدم پیوستگی آن با بیگانگی دریافت (نائبی، ۱۳۷۴: ۱۶). مکرمی نوری و همکارانش در بررسی عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران دریافتند که رشته‌ی تحصیلی و زندگی با خانواده در احساس بهزیستی و رضایتمندی دانشجویان نقش مؤثری دارد اما در میان دختران و پسران تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود و در میان مؤلفه‌های ۹ گانه مورد مطالعه سلامت جسمانی اصلی‌ترین مؤلفه وضعیت اقتصادی، استقلال در تصمیم‌گیری، شغل و هیجان‌خواهی و برخورداری از تجربه‌های جدید در مراتب بعدی قرار دارند (مکرمی نوری و همکارش، ۱۳۸۶: ۳۵-۲۰). نشاط دوست و همکارانش، در مطالعات خود نشان دادند که پنج متغیر رضایت از زندگی، میزان ورزش هفتگی، میزان خوش‌بینی به زندگی، شادکامی همسر و سابقه بیماری عصبی نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان شادکامی دارد (نشاط دوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۵).

جانسون^۱ و کروگر^۲ (۲۰۰۶) دریافتند که برخورداری مالی و میزان درآمد فعلی با میزان رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مثبت و معنی داری دارد (جانسون و کروگر، ۲۰۰۶: ۶۹۰-۶۸۱). آرگایل^۳ (۲۰۰۱) مؤلفه‌های رضایت از زندگی، کارآمدی و اجتماعی‌بودن، سلامت شناخت مثبت، احساس خوشی و عزت نفس را از عوامل مهم شادکامی دانسته‌اند (آرگایل، ۲۰۰۱: ۵۵-۴۵).

1- Johnson

2- Krueger

3- Argyle

۴- مبانی نظری

از دیدگاه آرگایل، مقیاس‌های متفاوت خوشبختی و رضایت، شادی و احساس مثبت همگی با هم همبستگی دارند و عامل کلی روشنی را ایجاد می‌کنند، بنابراین شادی یا خوشبختی شبیه یک ویژگی شخصیتی است که شامل تعدادی عناصر مربوط به هم می‌باشد که در سراسر موقعیت‌ها و در طول زمان ثابت است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۳۴). او با پیوندزدن عامل رضایت از زندگی به شادکامی، استمرار و پایداری را به عنوان خصلت شادکامی و نشاط معرفی کرده است. رضایت از زندگی مفهوم فراگیر و در عین حال پایداری است که منعکس‌کننده احساس و نظر کلی مردم یک جامعه، نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کنند. اهمیت آن نیز از حیث دلالت‌هایی است که بر ویژگی‌های پایدار نظام اجتماعی دارد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۵۶). دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با مفهوم شادمانی مطرح شده است که هر کدام از زاویه‌ای به آن پرداخته‌اند. جامع‌ترین و در عین حال عملیاتی‌ترین تعریف را از نشاط وینهون^۱ ارائه کرده است.

بر اساس این تعریف نشاط به درجه یا میزانی اطلاق می‌شود که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت می‌کند، به عبارت دیگر نشاط به این معناست که فرد به چه میزان از زندگی خود را دوست دارد (وینهون، ۱۹۸۴، به نقل از جعفری، ۱۳۸۲: ۱۶). نظریه «رضایت از زندگی» اینگلهارت که هم معنا با مفهوم «لذت ذهنی از زندگی» وینهون است در چارچوب نظری استفاده شده است. در خصوص نظریات تبیین‌کننده نشاط اجتماعی نظریه‌های مختلفی ارائه شده است و عوامل مختلفی بر میزان نشاط اجتماعی تأثیر دارند. متغیر رضایت از زندگی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلفی چون دورکیم، لوین، کریزبرگ و... یکی از فاکتورهای تأثیرگذار بر میزان خرسندی و نشاط افراد می‌باشد. چارچوب اصلی این تحقیق بر اساس نظریه اینگلهارت می‌باشد.

از دیدگاه وینهون رضایت از زندگی به وسیله مصاحبت عمیق قابلیت اندازه‌گیری دارد، زیرا که یک حالت ذهنی است او رضایت از زندگی را تصور رایج یک فرد از ارزیابی کل زندگی‌اش می‌داند که سرجمع لذت و درد است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۵). رضایت از زندگی دلالت بر آن دارد که چگونه مردم واقعاً رشد^۲ می‌کنند و یک ارزیابی کلی از زندگی را فراهم می‌کند که بازتاب افکار، شرایط و توانایی-

1-Veenhoveen

2-Flourish

هاست (وینهنون، ۲۰۰۳: ۱۲۹). او دریافت موقعیت اجتماعی در شادی تأثیر دارد، اطلاعات نشان می‌دهد که شادی به بخت و بدبختی احساس مربوط است، مردمی که در موقعیت بد قرار دارند که خود را بی-نشاط تر از مردمی که در موقعیت خوب هستند، نشان دهند و مردمی که موقعیت‌شان بهبود یافته، تمایل دارند که خود را بسیار خوشحال نشان دهند و آنهایی که موقعیت‌شان بدتر شده تمایل به بی‌نشاط بودن دارند، پس شادی یک رفتار تغییرناپذیر نیست (وینهنون، ۱۹۸۸: ۳۳). از سوی دیگر، عوامل شخصیتی هم بر نشاط افراد تأثیر گذارند. خلق می‌تواند هم بر سطح شادی مطلق و هم شادی نسبی تأثیر بگذارد و فرد را قطع نظر از کیفیت واقعی زندگی‌اش به یک ارزیابی معین از زندگی متمایل کند (همان، ۸). تجربه لذت می‌تواند کوتاه یا با دوام باشد. رضایت بادوام از زندگی، رضایت از زندگی نام دارد و از نظر وینهنون این واژه با عنوان شادی یا حتی بهزیستی درونی به کار می‌رود. زیرا هم با دوام است و هم مربوط به کل زندگی است (وینهنون، ۲۰۰۰: ۸).

بر مبنای نظر کریزبرگ رضایت یا نارضایتی از بخشی از زندگی به سایر بخش‌های زندگی و تعمیم یافته و آن بخش را نیز متأثر می‌نماید. بر مبنای تئوری سرایت، باید انتظار داشت افرادی که در یک زمینه محروم می‌شوند بدون جبران و اصلاح رضایت در آن بخش، نارضایتی خود را از یک محدوده به محدوده دیگر تعمیم خواهد داد. به عنوان مثال نارضایتی از ارضاء نیازها باعث خواهد شد تا سایر بخشهای زندگی از جمله شغل، درآمد و... را نیز متأثر نموده و به سوی نارضایتی از آن بخشها سوق یابد. در مقابل رضایت یک بخش از زندگی مانند درآمد باعث خواهد شد تا این خشنودی سایر ابعاد زندگی فرد را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی خشنودی از آن بخشها در فرد به وجود بیاورد و بیان می‌دارد که شخصی که در یک زمینه از زندگی خود ناراضی است به دنبال کسب رضایت در زمینه‌های دیگر زندگی برمی‌آید (صفدری، ۱۳۷۴: ۳۸-۳۷). یکی از تئوری‌هایی دیگری که در سطوح مختلف و متعدد در جهت بررسی نارضایتی مورد استفاده قرار گرفته است، تئوری محرومیت نسبی می‌باشد. از نظر مرتون احساس محرومیت در نتیجه مقایسه با مرجع برای فرد پدید می‌آید اما نارضایتی در پی غلبه احساس محرومیت نسبی بر فرد بروز می‌کند.

گروه مرجع ← مقایسه و ارزیابی از خود ← احساس محرومیت ← نارضایتی

هرچه فاصله بین انتظارات (یا احساس نیاز) و امکانات ارضاء نیاز بیشتر باشد احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی بیشتر می‌شود (همان، ۳۱). بر اساس این دیدگاه انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران

می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنشهای شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۴۵). اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و عدم نشاط در دو سطح فردی و اجتماعی می‌گردد (گار، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

از نظر اینگلهارت اساساً هر پاسخی تا حدی متأثر از محیطی است که در آن پرسیده می‌شود و این سؤال هم استثناء نیست. پاسخ‌ها هم بازتاب نوسانهای کوتاه‌مدت (ناشی از رویدادهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و هم بازتاب عامل بلندمدت فرهنگی هستند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۰). تفاوت‌های مقطعی - ملی، یک مولفه فرهنگی مهم در رضایت از زندگی دارند که بازتاب هنجارهای فرهنگی مختلف هستند (همان، ۴۶). رضایت کلی از زندگی قسمتی از نشانگان گسترده نگرش‌هایی است که نشان می‌دهد شخص نگرشی نسبتاً مثبت یا منفی نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند دارد. رضایت از زندگی، خوشبختی، اعتماد به یکدیگر و اینکه شخص از دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی حمایت کند یا از جامعه کنونی خود، همه با هم در یک دسته فرهنگی که ارتباط تنگاتنگ با تداوم یا فقدان نهادهای دموکراتیک برای مدتی طولانی در یک جامعه دارد گرد هم می‌آیند (همان، ۴۶). به نظر او انسان موجودی هدفمند است و تازمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس رضایت نمی‌کند. وقتی که مردم به خواسته ارزشمندی می‌رسند، احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند، لیکن این احساس سعادت ذهنی ذاتاً زودگذر است. در کوتاه مدت ممکن است آنچه شما بدست آورده‌اید موجب سرخوشی شود اما در بلند مدت این طور نیست، زیرا اگر این گونه بود فعالیت‌های هدفمند متوقف می‌شد، پس از مدتی مردم آنچه را دارند بدیهی پنداشته، زیاده‌خواهی می‌کنند و یا اینکه وقتی به نقطه اشباع می‌رسند به دنبال سایر خواسته‌ها می‌روند. در صورتی که خواسته‌های معینی مدت‌های مدیدی ارضاء شده باشند، مردم بهای کمی به آنها داده متوجه خواست‌های دیگر می‌شوند، اما در بلند مدت نه ثروت و نه قدرت و شهرت احساس سعادت را موجب نمی‌شوند زیرا احساس سعادت بازتاب توازن میان آرزوهای شخص و وضعیت او می‌باشد. با پیشرفت و ترقی بلندمدت، آرزوهای شخص افزایش یافته با آن موقعیت مطابقت می‌یابند. پس خوشبختی پیامد ثروتمند بودن نیست، بلکه پیامد موقت ثروتمند شدن است (همان، ۲۴۱).

به طور کلی اینگلهارت معتقد است که: ۱- رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. یعنی ملل مرفه، سطوح نسبتاً بالاتری از رضایت از زندگی را نسبت به ملل فقیر نشان می‌دهند. ۲- رضایت از زندگی با مجموعه‌ای از نگرش‌ها همبسته است که توأماف مفهوم فرهنگ مدنی را می‌سازند. ۳- رضایت از زندگی با نگرش‌های اساسی درباره نوع جامعه مرتبط است (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۱۶۰). این تحقیق در پی به پاسخگویی به رابطه بین رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی و رابطه بین درآمد، محرومیت نسبی با رضایت از زندگی است.

۵- روش‌شناسی

در این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه (دو بخشی) استفاده شده است. بخش اول دربرگیرنده آزمون استاندارد ۲۹ سؤالی است تحت عنوان پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) که در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو تهیه شده است (علی‌پور و همکار، ۱۳۷۸: ۵۷). درخصوص اعتبار و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد می‌توان گفت که در تحقیقات مختلف ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ در فواصل زمانی مختلف گزارش شده است و در ایران نیز توسط علی‌پور و نوربالا پایایی مطلوبی برای آن گزارش شده است (همان، ۵۹). درخصوص اعتبار و روایی بخش دوم، پرسشنامه نیز از اعتبار با تأیید اساتید صاحب‌نظر در این زمینه پرسشنامه نهایی لحاظ گردیده است و مقادیر بدست آمده برای آلفای کرونباخ به تفکیک برای متغیرهای تحقیق در همه موارد ۷۰ به بالا می‌باشد، لذا بر این اساس می‌توان گفت که ابزار گردآوری داده‌ها (پرسشنامه) از پایایی قابل قبولی برخوردار می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق است که براساس گزارش دانشگاه مربوطه، ۴۸۹۹ دانشجوی (اعم از زن و مرد) می‌باشد. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۵۰ نفر تعیین گردید.

۶- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نشاط اجتماعی: حالات روانی مثبت است که عبارتند از سطح بالای رضایت، شادی ذهنی، سلامت

ذهنی و سلامت روانشناختی (راسموس، ۱۹۹۷، به نقل از اوجاکی ۱۳۸۴: ۱۳). برای سنجش نشاط از پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده که اولین بار توسط آرگایل و لو ساخته شد و دارای ۲۹ ماده می‌باشد که پنج عامل رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت نفس را دربر می‌گیرد (آرگایل و لو، ۱۹۹۰: ۱۰۱). رضایت از زندگی: سازه‌ای روانی اجتماعی است که در تعامل منش با ابعاد مختلف حیات اجتماعی (شامل بعد اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و ...) شکل گرفته و انسان آن را در سلسله مراتب قشریندی اجتماعی تجربه کرده و در تعاملات اجتماعی منعکس می‌کند (رفیقی نمین، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

احساس محرومیت نسبی: از اختلاف بین آنچه فرد می‌خواهد و انتظار دارد با آنچه که به دست می‌آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می‌کند، بدست می‌آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱). به عبارتی مقایسه فرایندی ذهنی است که طی آن فرد به ارزیابی و تطبیق بین شرایط خود با شرایط و وضعیتی که گروه یا فرد مورد نظر وی از آن بر خودار است می‌پردازد. در این تحقیق، مفهوم احساس محرومیت به وسیله معرف‌های (وضع زندگی، درآمد، مسکن، تحصیلات، رفاه زندگی و تفریح) عملیاتی و مورد سنجش قرار گرفته است.

در این تحقیق، مفهوم رضایت از زندگی به وسیله معرف‌های زیر و در قالب طیف ۵ قسمتی کاملاً راضی تا کاملاً ناراضی مورد سنجش قرار گرفته است.

- در حال حاضر از درآمد خود (و خانواده‌تان) تا چه اندازه رضایت دارید.
- از وضعیت در آمدی خود و خانواده نسبت به دو سه سال گذشته تا چه اندازه رضایت دارید.
- از وضعیت مالی خود و خانواده در حال حاضر تا چه اندازه رضایت دارید.
- از وضعیت سلامت خود و خانواده‌تان چه اندازه رضایت دارید.
- از وضعیت شغلی خود و خانواده‌تان چه اندازه رضایت دارید.
- رضایت شما از وضعیت مسکن‌تان چگونه است.
- از توجه مسئولین به انتقادات مردم از مسئولین کشور در اداره جامعه چه اندازه رضایت دارید.
- از روند توسعه و پیشرفت جامعه تا چه اندازه رضایت دارند.
- در مجموع از زندگی در ایران به جای کشورهای دیگر چقدر رضایت دارید.

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۱: توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات

نام متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۴۳	۶۹/۴
	مرد	۱۰۷	۳۰/۶
وضعیت تاهل	مجرد	۲۳۵	۶۷/۱
	متاهل	۱۱۵	۳۲/۹

بر اساس یافته‌های تحقیق، ۲۴۳ نفر (۶۹/۴ درصد) از پاسخگویان زن و ۱۰۷ نفر (۳۰/۶ درصد) مرد و ۲۳۶ نفر (۶۷/۱ درصد) مجرد و ۱۱۵ نفر (۳۲/۹ درصد) متاهل بودند.

جدول ۲: توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک هر یک از متغیرها

متغیر	طبقات						میانگین	جمع
	پایین		متوسط		بالا			
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
نشاط اجتماعی	۸۷	۲۴/۹	۲۱۳	۶۰/۹	۵۰	۱۴/۳	۱۰۰	متوسط رو به پایین
رضایت از زندگی	۷۲	۲۰/۶	۲۶۳	۷۵/۱	۱۵	۴/۳	۱۰۰	متوسط
محرومیت نسبی	۲۹	۸/۳	۱۰۲	۲۹/۱	۲۱۹	۶۲/۶	۱۰۰	بالا
درآمد	۳۶	۱۰/۳	۲۳۱	۶۶	۸۳	۲۳/۷	۱۰۰	متوسط

جدول فوق بیانگر این است که میزان نشاط ۲۴/۹ درصد از پاسخگویان پایین، ۶۰/۹ درصد متوسط و ۱۴/۳ درصد بالا است. میزان رضایت از زندگی ۲۰/۶ درصد از پاسخگویان پایین، ۷۵/۱ درصد متوسط و ۴/۳ درصد بالا است. میزان احساس محرومیت ۸/۳ درصد از پاسخگویان پایین، ۲۹/۱ درصد متوسط و ۶۲/۶ درصد در حد بالایی قرار دارد. میزان درآمد ۱۰/۳ درصد از پاسخگویان پایین، ۶۶ درصد متوسط و ۲۳/۷ درصد در حد بالایی قرار دارد.

۷-۲- یافته‌های تبیینی

جدول ۳: آزمون همبستگی ضریب پیرسون بین نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی

میزان همبستگی	رضایت سیاسی	رضایت اقتصادی	رضایت اجتماعی - فرهنگی	رضایت از زندگی
r	۰/۴۰۲	۰/۵۵۶	۰/۳۵۹	۰/۷۰۵
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰

مطابق جدول فوق، در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ بین میزان رضایت از زندگی و نشاط رابطه معنی دار وجود دارد و براساس میزان پیرسون $r=0/705$ شدت این رابطه قوی و مثبت است و بین تمام ابعاد فوق و میزان نشاط اجتماعی رابطه معناداری می باشد و تنها بعد رضایت اقتصادی با $r=0/556$ از میان ابعاد رضایت از زندگی دارای رابطه قوی تر نسبت به ابعاد دیگر رضایت از زندگی دارد. به عبارتی هرچه میزان از رضایت از زندگی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی آنها افزایش می یابد (فرضیه اول: به نظر می رسد بین میزان نشاط اجتماعی و رضایت از زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد). در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و با سطح معناداری $0/000$ $\text{sig} =$ بین میزان نشاط بارضایت سیاسی همبستگی معنی دار وجود دارد و براساس میزان پیرسون $r=0/402$ شدت این رابطه ضعیف مثبت (مستقیم) ارزیابی می شود، به عبارت دیگر هرچه میزان رضایت سیاسی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد و در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و با سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ بین میزان نشاط با رضایت اجتماعی - فرهنگی همبستگی معناداری وجود دارد و براساس میزان پیرسون $r=0/359$ شدت این رابطه ضعیف و مثبت (مستقیم) ارزیابی می شود، به عبارتی هرچه میزان رضایت اجتماعی - فرهنگی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد.

جدول ۴: آزمون همبستگی ضریب پیرسون بین رضایت از زندگی و متغیرهای مستقل

میزان متغیر	درآمد	محرومیت نسبی
r	۰/۵۲۰	-۰/۸۷۰
Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۳۵۰	۳۵۰

بین میزان درآمد و میزان رضایت از زندگی اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ ارتباط

معنی‌داری وجود دارد و براساس میزان پیرسون $F=0/520$ شدت این رابطه ضعیف و مثبت‌ارزیابی می‌شود، به عبارتی، هرچه دانشجویان از میزان درآمد بالاتری برخوردار باشند میزان رضایت از زندگی آنها افزایش می‌یابد (فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان درآمد و رضایت از زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد).

بین احساس محرومیت نسبی و میزان رضایت از زندگی در فاصله اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری $sig=0/000$ ارتباط معنی‌داری وجود دارد و براساس میزان پیرسون $F=-0/870$ شدت این رابطه بسیار قوی و منفی ارزیابی می‌شود، یعنی هرچه میزان احساس محرومیت نسبی بین دانشجویان افزایش یابد میزان رضایت از زندگی کاهش می‌یابد (فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین میزان احساس محرومیت نسبی و رضایت از زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد).

۳-۷- تحلیل رگرسیونی

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، در طی مراحل مختلف تحلیل ۳ مدل شناسایی شد که خلاصه‌ای از این مدل سه گانه را به همراه آماره‌های مرتبط ارائه می‌دهد.
جدول ۵: مشخص کننده‌های کلی تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل بر رضایت از زندگی

مرحله	R	R ²	ضریب تعدیل یافته	خطای استاندارد
۳	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۷۹	۱/۵۱

با توجه به نتایج جدول فوق، مقدار ضریب تبیین (R^2) به دست آمده برای تبیین رضایت از زندگی $R=0/79$ می‌باشد که نشان می‌دهد، به میزان ۷۹ درصد توسط محرومیت نسبی، نشاط اجتماعی - و میزان درآمد تبیین می‌شود.

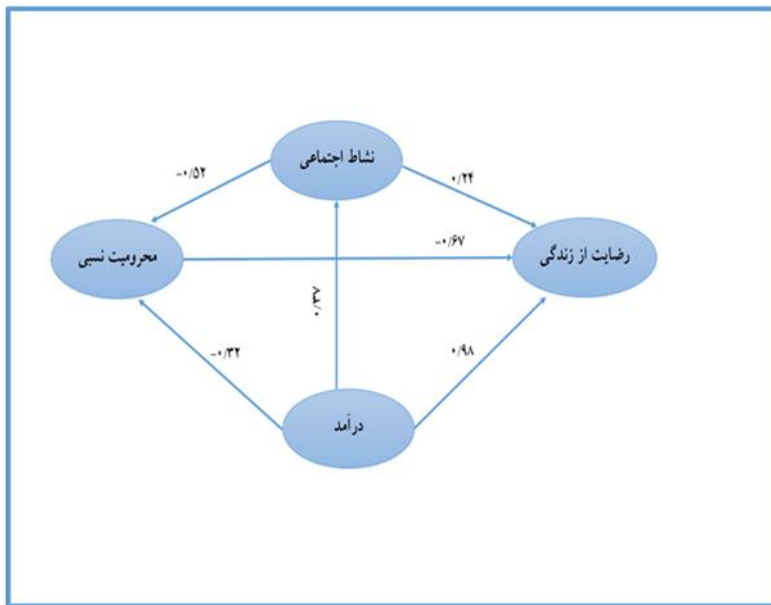
جدول ۶: مشخص کننده‌های آماری میزان و جهت تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر رضایت از زندگی

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیونی استاندارد نشده	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	T	خطای استاندارد
B	Beta			

۰/۰۰۰	۱۵/۳۳۶		۲۷/۷۲۸	عددثابت
۰/۰۰۰	-۱۹/۳۸۳	-۰/۶۷۳	-۰/۸۷۵	محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۷/۵۱۳	۰/۲۴۰	۰/۱۳۶	نشاط اجتماعي
۰/۰۰۵	۲/۷۹۷	۰/۰۸۰	۰/۰۰۱	درآمد

محرومیت نسبی اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان t و سطح معنی‌داری همبستگی بالا و منفی با متغیر وابسته دارد. یعنی هرچه میانگین نمرات فرد در مورد محرومیت بالاتر باشد میزان رضایت او زندگی کمتر خواهد شد. نشاط اجتماعی، درآمد متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از متغیر محرومیت نسبی وارد معادله شده و همبستگی با متغیر وابسته دارند.

نمودار ۱: مدل تحلیلی



۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به این که تا کنون هیچ نظریه کاملی در ارتباط با نشاط اجتماعی و میزان رضایت از زندگی مطرح نشده است و یک نظریه و یا الگو نمی‌تواند تبیین جامعی داشته باشد، بنابراین نیازمند اتخاذ یک دیدگاه ترکیبی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر هستیم. رضایتمندی از زندگی از بزرگترین آرزو و مهمترین هدف زندگی بشر است که بیش از هر عامل دیگری بهداشت روانی افراد را تحت تأثیر

خود قرار می‌دهد و تحولات عظیمی در حوزه شادمانی و نشاط رخ داده بر ارتباط نزدیک و در هم تنیده این امر را تأکید می‌نماید پژوهش متعدد نشان داده که شادمانی و نشاط می‌تواند سبب افزایش میزان سلامتی، رضایت و ثروت و رفاه گردد.

یافته‌های حاصل از انجام آزمون همبستگی پیرسون، بیانگر وجود همبستگی بالایی بین رضایت از زندگی با متغیر نشاط اجتماعی می‌باشد که این امر به معنی تایید فرضیه پژوهش مبنی بر وجود ارتباط معنی‌دار بین این متغیر و متغیر وابسته یعنی نشاط در بین دانشجویان می‌باشد. آرگایل (۲۰۰۱)، نشاط-دوست (۱۳۸۸)، جانسون (۲۰۰۶) نیز رضایت از ندگی را به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر نشاط و شادکامی مطرح می‌کنند. یکی دیگر از موضوعاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت بررسی رابطه میزان تقریبی درآمد ماهیانه خانوار و میزان رضایت از زندگی بوده است که نتایج بیانگر ارتباط مثبت و معنی‌دار بین وضعیت درآمدی خانوار افراد و میزان رضایت آنها می‌باشد. که با تحقیقات آرگایل و جانسون و کروگر (۲۰۰۶)، صفدری (۱۳۷۴) همخوانی دارد و در مقابل بین رضایت از زندگی و متغیر محرومیت نسبی $r=0/87$ رابطه منفی وجود دارد یعنی با افزایش احساس محرومیت بین پاسخگویان میزان رضایت از زندگی آنها کاهش می‌یابد و بالعکس. احساس محرومیت نسبی از جمله متغیرهای تأثیرگذار شناسایی شده بر رضایت از زندگی و در بین دانشجویان مورد مطالعه بودند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود توجه بیشتری به توسعه کمی و کیفی امکانات و فرصت‌ها بویژه در سطح کلان و توزیع عادلانه آنها صورت گیرد زیرا این امر می‌تواند منجر به کاهش این احساسات منفی گشته که به طور طبیعی افزایش رضایت از زندگی و در نهایت افزایش نشاط اجتماعی را نه تنها در بین دانشجویان بلکه در بین همه اقشار اجتماعی می‌شود، در پی خواهد خواهد داشت.

فهرست منابع

۱. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در کشورهای پیشرفته، مترجم: مریم وتر، انتشارات کویر، تهران، چاپ سوم.
۲. براتی‌سده، فریده، (۱۳۸۱)، روانشناسی شادی و هیجان‌های مثبت، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران دفتر مطالعات و پژوهش‌های راهبردی.
۳. رفیقی‌نمین، شمسی، (۱۳۸۷)، تبیین رضایت از زندگی در بین سه قشر اجتماعی کارگر، کارمند و کاسب شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۴. جعفری، ابراهیم و محمدرضا عابدی، هدایت‌الله دریکوندی، (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، شماره ۵۸، ۴-۵۰.
۵. خاززاده، لیلی، (۱۳۸۶)، بررسی رابطه بین شخصیت و شادکامی، نشریه اصلاح و تربیت شماره ۱۳۱.
۶. عبدی، عباس و محسن گودرزی، (۱۳۷۸)، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران.
۷. علیپور، احمد و احمدعلی نوربالا، (۱۳۷۸)، بررسی مقدماتی و پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی- آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران: فصلنامه اندیشه و رفتار سال پنجم، شماره ۱، ۶۳-۵۵.
۸. مکری‌نوری، رضا، (۱۳۸۱)، مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران، مجله روانشناسی و علوم تربیتی، شماره ۱: ۴۱-۳.
۹. نایی، هوشنگ، (۱۳۷۴)، پژوهش در روانشناسی اجتماعی، سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۰. نشاط‌دوست، حمید (۱۳۸۸)، نشاط و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم- شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱ - بهار، صص ۱۱۸-۱۰۵.
۱۱. هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین‌افشان، (۱۳۸۸)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳۳: ۱۴۶-۱۱۹.

12. Argyle, (2001), The psychology of happiness. London: Routledge.

13. Diner, E & Silgman, M. (2002). very happy people, American psychological society, vol. 13, 81-84.

14. Veenhoveen. R (2000) The four qualities of life, JOURNAL OF HAPPINESS STUDIES, VOL 1, PP. 1-39.

15. Veenhoveen .R (1988) The utility of happiness Social Indicator Research, vol. 13, 33-35.

16. Veenhoveen. R (2003) Happiness, The Psychologist, vol. 16. pp. 99-129.

-
17. Johnson, W & Krueger, R.F. (2006) How money buys happiness: genetic and environmental processes linking finances and life satisfaction. *Journal of Personality and social psychology*. vol10, 680-691.